

هو الله - لك الحمد يا إلهي بما كشفت الغطاء...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (89) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مكاتیب عبدالبهاء، جلد 1، صفحه 347

هو الله

لك الحمد يا إلهي بما كشفت الغطاء و هتكت الحجاب و أوقدت سراج الهدى في قلوب نفوس انجذبوا الى مشاهدة الجمال في الأفق الأعلى و هديتهم الى المنهج القويم و الصراط المستقيم حتى سلكوا في المحجة البيضاء و وردوا على الشريعة السمحة النوراء و شربوا من زلال العرفان و ترنخوا من نسائم رياض الايقان رب رب انزلهم منزلا مباركا و ادخلهم مدخل صدق و اجعلهم آيات الثبوت و الرسوخ بين خلقك و رايات العزة و الحبور بين عبادك لا تزغزغهم زوايع الامتحان و لا تزلزلهم قواصف الأفتتان و يقوموا على نصرة أمرک و نشر نفحاتک و هداية الذين احتججوا بعد ما آمنوا و نكثوا بعد ما عاهدوا و رجعوا بعد ما أقبلوا فهاموا في فلوات الظلام و احتججوا عن مشاهدة نور الجمال مع ذلك انهم عبادك و خلقك منهم ضعفاء يستحقون فضلك و عنايتك و فقراء يحتاجون الى كنز غنائك رب رب انهم عمى فابصرهم و صم فاسمعهم و بكم فانطقهم و أموات فاحيهم بنفحات قدسک انک أنت المقتدر العزيز القوى العليم الحكيم

ای دو نفس زکیه راجعه الى الله چون ندای هاتف غیبی را بگوش جان شنیدید که میفرماید یا "ایها النفس المطمئنة ارجعی الى ربک" الحمد لله رجوع الى الله نمودید و از بیداء هلاک نجات یافته بسر چشمه حیات رسیدید پرده و حجاب دریدید و نور حقیقت دیدید این از فضل و موهبت حضرت کبریاست که دیده بسته را باز نمود و از مفاز بی فوز و فلاح بساحل بحر الطاف وارد نمود حال وقت آنست که آن قوم عنود را از جحود یهود خلاص نمائید و بجمال موعود هدایت کنید و بر ورد مورود وارد و از رفد مرفود نصیب بخشید و در ظل ممدود در آرید و بمقام محمود رسانید سبحان الله موعود جمیع کتب و صحف بشرطی مشروط و بعلاماتی مرهون که بظاهر اگر ناس محتجب میشدند بهانهائی داشتند مثلا موعود یهود مشروط بخروج از مکان غیر معلوم بود و از جمله شروطش سلطنت غیر محدود و جلوس بر سریر داود و سل سیوف و تجهیز الوف و ترویج توراة و تشهیر آیات و تعمیم شریعت موسی و ظهور عدالت کبری تا گرگ و بره و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله و مار و طفل شیرخواره همدم و هم آشیان و همراز گردند و این بنصوص قاطعه توراة مسلم در نزد عموم بود چون حضرت روح الله بنور هدی آفاقرا روشن کرد هیچیک از این شروط و علائم بحسب ظاهر آشکار نگردید زیرا کل این بیانات معانی حقیقی داشت و رموز و اسرار بود اگر چه یهود انکار نمودند ولی بحسب ظاهر عذری در کار بود و همچنین موعود انجیل باید با خیل و حشمی عظیم و جنود ملائکه علین بر ابری سوار از آسمان بزمین



ORIGINAL

آید و آفتاب و ماه تاریک شود و جوق نجوم بر روی ارض متساقط شود و آن موعود جلیل با بوق و نغیر و افواج فرشته
 اثر از آسمان بلینجهان آید و شرق و غرب را بصوت صافور بیدار و هشیار کنند لهذا اگر مسیحیان در ظهور جمال محمدی
 بهانه ئی جستند بحسب ظاهر عذری آوردند و همچنین موعود فرقان مشروط بعلائم بی پایان بود جابلقا و جابرصا و فتح
 شرق و غرب و جنوب و شمال و سلطنت قائم و سلطنت سیدالشهداء و نزول عیسی و ظهور دجال و قیامت کبری و
 حشر و نشور و جنت موعود و نیران ذات الوقود و امثال ذلک علائم لا تخصی بود اگر فرقانیان عذر و بهانه ئی مینمودند
 در نزد جاهلان مسموع بود اما موعود بیان حضرت اعلی روحی له الفداء چنان واضح و آشکار فرمودند که از برای نفسی
 نه سرا و نه چهارا نه باطنا نه ظاهرا نه معنی نه صورت عذر و بهانه ئی باقی ماند بنص صریح میفرماید ایاک ایاک ان
 تحتجب بالواحد البیانیه أو بما نزل فی البیان ملاحظه فرمائید که میفرماید مبدا به بیاناتیکه در آثار نقطه اولی است از او
 محتجب شوید یعنی بگوئی که در بیان چنین فرموده و چنان منصوص است و همچنین میفرماید که مبدا بواحد اول از او
 محتجب شوی و واحد اول نفس حضرت اعلی روحی له الفداء و هیجده حروف حی است و یکی از آن حروف حی
 حضرت قدوس است که حضرت اعلی روحی له الفداء بنص صریح میفرماید که سیزده واحد از مرایا در ظل حضرت
 قدوسند با وجود این میفرماید مبدا بمن و بحروف حی از جمال موعود محبوب گردی پس ملاحظه گردد که چه قدر
 تأکید فرموده و میفرماید که در یوم ظهور جمال مقصود مبدا نظر بمن کنید که من تصدیق مینمایم یا نه و بسبب من
 محتجب از او گردید یعنی اقبال و تصدیق من و حروف حی را منوط و مشروط ندانید این معلومست که حضرت اعلی
 روحی له الفداء مبشر بجمال قدم بودند و مروج آثار او استغفر الله نسیان بآنعالم پاک راه ندارد تا چه رسد بعصیان اینکه
 میفرماید مبدا بمن از او محتجب شوید تصور محالست با وجود این بجهت تأکید میفرماید و تصریح میکند تا نفسی من بعد
 نگوید اگر این امر حق بود و این موعود موعود بیان البته مرآت قبول مینمود و اعتراف میکرد و همچنین مبدا محتجب
 ببعضی ظواهر بیان بشوند مثل آنکه شده اند از جمله میگویند که توقیعی از حضرت اعلی روحی له الفداء صادر که در
 مکتب من یظهره الله خوانده شود پس مکتب من یظهره الله کو و سلاطین بیان کجا است و معابد و مساجد بیان کو و
 علائم و شعائر آن کجا است هنوز مسجدی بر پا نشده معبدی پیا نگشته شریعت بیان ترویج نشده اوامر الهیه ظاهر نگشته
 چگونه موعود جدید آمده و من یظهره الله ظاهر شده یا الله انصاف بدهید و چشم اعتساف پوشید اگر اهل فرقان فریاد بر
 آرند که حضرت اعلی روحی له الفداء فرمودند من موعود فرقانم و قیامت بر پا شد و طامه کبری ظاهر گشت ان کان
 هذا هو القائم الموعود این سیفه المسلول و این لوائه المعقود و این جنوده المجنده و این الاعنة و الاسنة این ترویجه للشریعة
 الغراء و این تعمیمه للطریقه السمحة البیضاء این طیران النقباء و النجباء و این اجتماعهم فی أم القرى این القیامة الکبری
 این المیزان این الصراط این الحساب این الجحیم المتسعة و این الجنة المتبهجة این الكوثر و السلسبیل و این الكأس الممزوجة
 بالكافور و الزنجبیل این الحوریات القاصرات الطرف فی الخیام و این الولدان المخلدون کانهم لؤلؤ مکنون این الملائكة الغلاظ
 الشداد و این السلاسل و الاغلال و این و این و این و این حضرت اعلی روحی له الفداء میفرماید که جمیع این شروط و علائم
 و وقائع در ملح البصر واقع و لکن ناس از مشاهده اش محتجب یا الله این الانصاف جمیع این وقایع در ملح البصر واقع شد
 و تأویل داشت و مکتب من یظهره الله قابل تأویل نیست انصفوا یا قوم ملاحظه کنید که چه قدر غافلند حضرت اعلی
 میفرماید ایاک ان تحتجب بما نزل فی البیان این میگوید کو مکتب من یظهره الله ذکر مکتب ما نزل فی البیان است که
 میفرماید مبدا بآن محتجب از من یظهره الله گردی باری الحمد لله که حضرت اعلی روحی له الفداء هیچ حجابی نگذاشتند
 جمیع را خرق فرمودند لکن این قوم عنود مانند عنکبوتند هر چه پرده آنرا بدری فورا پرده جدید بتند زیرا این احتجاب

منبعث از کینونت انسانست چون امری از لوازم ذاتیه شیء باشد انفکاک از آن محال است و علیکم التحية و الثناء (ع)
(ع)